

قفسه کتاب

۲۹۸

| ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام جم | سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴

قرارما، راهروی شماره ۱۳

«جام جم» در قلب نمایشگاه کتاب

۲۱۰



«جام جم» در قلب نمایشگاه کتاب

میثم رشیدی مهرآبادی

سر دبیر
قفسه کتاب

انتشارات جام جم، امسال هم با ارائه دو اثر جدید در کنار کتاب های ارزشمندی که در سال های گذشته منتشر کرده در نمایشگاه ۳۶ حضور دارد. غرفه جام جم را می شود قلب نمایشگاه دانست؛ هم از این جهت که در مرکز شبستان مصلی قرار گرفته و هم از این نظر که مجموعه متنوع کتاب هایش می تواند سلاقی گوناگون را دربر بگیرد. هم می شود کتابی را درباره مشکلات دامنگیر اعتیاد و راهی موثر برای برون رفت از آن پیدا کرد (ویولون زن روی پل) و همزمان می توانیم کتابی را در گفت وگو با شخصیت های برجسته فرهنگی و سیاسی دنیا (آقای خبرنگار) برداریم و بخیریم. هم این امکان وجود دارد که کتابی درباره تجربه فرزندی که سایه پدر را بالای سرشان تجربه نکرده اند (بی بابا) انتخاب کنیم و هم می شود در کنار آن، پای صحبت گویندگان و مجریان برنامه های خبری تلویزیون و رادیو (زندگی با خبر) بنشینیم. اینها فقط نمونه هایی از کتاب های متنوع انتشارات جام جم است که همه آنها را با تخفیف نمایشگاه می توانید از غرفه انتشارات در راهروی شماره ۱۳ تهیه کنید.

استقبال از انتشارات جام جم در چند روز سپری شده از نمایشگاه، چشمگیر بوده و اگر وارد راهروی ۱۳ بشوید، از همین استقبال می توانید رد غره را پیدا کنید. بخشی از این استقبال به خاطر تنوع موضوعی کتاب هاست و قسمتی از آن را باید به اعتماد مخاطبان به تولیدات مؤسسه جام جم نسبت داد. خوانندگان وقتی کتابی را از پیشخوان انتشارات در نمایشگاه برمی دارند، مطمئنند اثری کارشناسی شده و مناسب را خریداری می کنند و محتوا و قلم اثر هم بی شک آنها را جذب خواهد کرد. اتفاقاً همین تبلیغات زبان به زبان است که آثار انتشارات جام جم را پرفروش کرده است، به نحوی که کتاب «ویولون زن روی پل» توانسته در مدت کوتاهی بدون تبلیغات ویژه، چاپ ۳۲ را پشت سر بگذارد.

اگرچه بالا بودن قیمت کتاب ها که تابعی از بالا بودن قیمت کاغذ و خدمات نشر و چاپ است، در چند سال اخیر، ما را خریداران حساسی کرده که با وسواس به انتخاب یک کتاب برای خرید می رسیدیم اما باز هم دیدن کیسه های پارچه ای و پلاستیکی که نشانگر خرید از غرفه هاست، امسال هم چشمان مان را پر از ذوق کرد. مثل همیشه به ما ثابت شد خوانندگان عاشق کتاب، از نان شب شان هم می زنند تا کتاب های مورد علاقه شان را در کتابخانه های شان ببینند. این عشق را چگونه می شود به کسانی گفت و تشریح کرد که حال خوب کتابخوانان با بوی کاغذ را نمی فهمند؟! حال خوب کتابی تان مستدام...

درباره کتاب «حظ کردیم و افسوس خوردیم»

خودم از پاریس قربان شما بگردم!

فروش رسیده بودند. جمع آوری این عکس های دیدنی حتما برای گردآورندگان آن کار آسانی نبوده است. جالب اینجاست در یک مجله فرانسوی عکس اعتصام السلطنه چاپ می شود و در متن به معرفی این شاهزاده ایرانی می پردازد.

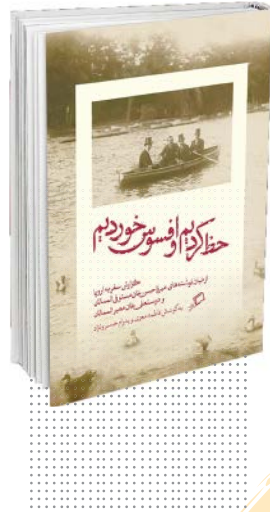
نویسنده او را فردی باهوش و دوست داشتنی می داند که جذابیتهای خاص دارد به نقل از کتاب: «والاحضرت شاهزاده، سزاوار تمام خوبی هاست... چهره شاهانه، نگاه مهربان و لبخندی جذاب... او آهسته و شمرده و کاملاً ادبی با ما به زبان فرانسه صحبت می کند.»

نامه های آخر کتاب که فقط به چاپلوسی برای دریافت پول نوشته شده است. این پول که قطعاً از سرمایه ملی ایران است، برای ادامه خرید و گشت و گذار و خوش گذرانی در اروپا خرج می شود. عنوان یکی از آنها نهایت چاپلوسی است «خودم از پاریس قربان شما بگردم.»

فصلی از کتاب با عنوان بمان و تماشا کن، به خاطرات دوستعلی خان معیر الممالک می پردازد. این خاطرات یک بار در مجله یغما به چاپ رسیده است. این فصل هم معیر الممالک تنها به صحبت با کسانی می پردازد که پدرش در سفرهای قبل با آنها خوش و بشی داشته است. به نقل از کتاب در صفحه ۱۰۲: «مادام منش، در سفر دوم پدرم به فرنگ با او آشنا شده بود و بالاخره آشنایی از دوستی گذشته بود و به مرحله لطیف تری انجامیده بود.

وی شیرین لبی و شیرین قلمی را به یکجا گرد آورده بود...» از این قسم پاراگراف ها به کرات در کتاب دیده می شود. خیلی دوست دارم بدانم این کتاب از فیلتر فرهنگ و ارشاد چطور عبور کرده است یا اصلاً چرا باید این قسم متون به چاپ برسد و به کار چه کسانی خواهد آمد؟ در تمام طول کتاب جز همان چند موردی که من اشاره کردم، در مورد صنعت و پیشرفت، هیچ مورد دیگری ذکر نمی شود.

اگر بهانه چاپ این کتاب برای آشنا شدن با تعارفات و ادبیات قاجار هم باشد، باز هم لازم نبود تمام جوانب شخصیتی یک فرد در آن آورده شود که این خود رواج دادن این قسم تعاملات و روابط است.



فصلی از کتاب

با عنوان بمان

و تماشا کن،

به خاطرات

دوستعلی خان

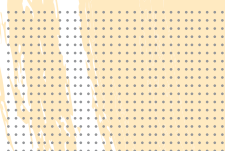
معیر الممالک

می پردازد. این

خاطرات یک بار

در مجله یغما به

چاپ رسیده است



الهام رضایی

مروزی نویسنده



کتاب «حظ کردیم و افسوس خوردیم» گزارشی از سفر دو جوان قجری به اروپاست. این دو جوان از بستگان مظفرالدین شاه قاجار هستند ولی در سفر به فرنگ با شخص شاه همراه نشده و مستقل از تشریفات و آداب شاهانه عازم فرنگ می شوند.

میرزا حسن خان مستوفی الممالک و دوستعلی خان معیر الممالک (پدر رهی معیری)، نوشته های شان را در دو سوی یک دفترچه یادداشت می کنند. در کتاب، منظور از نوشتن روزنامه، همان نوشتن سفرنامه است. کتاب از کشتی، بنا، مناظر و صنایعی که در یک سده قبل برای دو جوان قاجاری جالب بوده، روایت می کند. به نقل از کتاب: «کشتی ۱۲۰۰ اسب زور دارد (منظور همان قدرت کشتی که بر حسب اسب بخار بیان می شود.) و دستگاه چراغ برقش هشت اسب زور دارد.» پایل متحرک که حیرت شاه و درباریان را به دنبال دارد و هر کدام در سفرنامه های شان به آن اشاراتی داشته اند.

جذاب ترین بخش اکسپوزیسیون ۱۹۰۰ میلادی، بنای پاریس بود که با هزاران لامپ رنگی چشمک زن تزئین شده بود.

انتخاب نام کتاب بسیار هوشمندانه است که به طور قطع و یقین، دوستداران تاریخ و فرهنگ را به خواندن آن ترغیب می کند ولی متأسفانه باید گفت متون ثبت شده در کتاب آن طور که از نامش انتظار می رود به پیشرفت ها و صنعت اروپا نمی پردازد بلکه شاید ۷۰ درصد کتاب به این جملات خلاصه شود: نهار خوردیم... شام میل فرمودیم... لباس عوض کردیم و ریش تراشیدیم... حضرات تخته بازی کردند و مشغول بازی آس شدند... وضع پوشش و شکل و شمایل زن ها در اروپا برای راویان کتاب بسیار مورد توجه است و بارها و بارها به آن اشاره می کنند.

بهترین قسمت این کتاب، عکس های تاریخی است که شاید برای اولین بار چاپ شده باشد. بعضی از این عکس ها هنوز در آلبوم های خانوادگی قرار داشته یا به

درباره پژوهشگران کتاب حظ کردیم و افسوس خوردیم



اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه سیدنی غربی است. فاطمه معزی، دانش آموخته رشته تاریخ است و سال هاست درباره تاریخ ایران در دوره قاجار مطالعه و پژوهش می کند. از میان مقالات او می توان «محمد علی میرزا قاجار، ولیعهد»، «شب نامه ها و اعلامیه های مشروطیت»، «موانع و مشکلات حمل جنازه شیعیان هند به مشهد در اواخر دوره قاجار» و «باغ فردوس از دیرزمان شکوفایی» اشاره کرد.

پدرام خسرو نژاد دانش آموخته رشته های نقاشی و پژوهش هنر از دانشگاه هنر است و در دانشگاه سوربن و مدرسه عالی علوم اجتماعی پاریس انسان شناسی اجتماعی فرهنگی خوانده است. او در سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ در دانشگاه آکسفورد انگلستان به تدریس مشغول بود و در سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ به دعوت دانشگاه ایالتی آکلاهامای آمریکا دپارتمان مطالعات ایران شناسی و خلیج فارس این دانشگاه را راه اندازی کرد. پژوهش های او حول محورهای انسان شناسی دین، انسان شناسی هنر و انسان شناسی بصری با تأکید بر هنر تشیع ایرانی و هنر دوران قاجار به ویژه عکاسی و شمایل های مذهبی است. او هم اکنون استاد گروه مطالعات دینی و

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب امیررضا قم چی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۴۱۱۳ صادره از تهران در مقطع کارشناسی - رشته مهندسی مکانیک- طراحی جامدات - صادره از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران به شماره ۱۲۹۵۱۲۳۰۲۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. از باینده تقاضا می شود آن را به صندوق پستی بپایاندازد.

کارت خودرو کوئیک مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید
قرمز روغنی با شماره موتور M159484604
و شماره شاسی NAPX212AAM1088762
و شماره پلاک ۵۴ ل ۶۹۱ ایران ۳۰ به نام رقیه
حمیدپور مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

بدینوسیله اصل قرارداد شماره
۷۰۸۲ مجتمع مسکونی کوثر
مفقود گردیده و از درجه اعتبار
ساقط می باشد.

امور آگهی های
روزنامه جام جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
شماره تلفن پذیرش

و معاشقه من با سفرنامه‌های حج. دود کبابی به ضرورت، بامصداقی از «وصف العیش، نصف العیش»؛ و «ما شاء الله کان». اما بی شک این یکی از بهترین سفرنامه‌های حج است که من خوانده‌ام. اگر نگویم بهترین؛ لطیف، پرنکته، ژرف‌نگر، با روح، موعظه‌آمیز، گویا و همراه با هنرمندی‌های ادیبانه؛ از قبیل زیبایی قلم، همراهی طنز، اشتغال بر تصویر، آمیختگی به خیال؛ و... خلاصه این‌که، نوشته زیبا و شیرینی است.»



«خال سیاه عربی»

کتاب صوتی «خال سیاه عربی» نوشته حامد عسکری، روایتی از خاطرات سال‌های کودکی نویسنده تا تجربه سفر به مکه و زیارت کعبه است. روایت او که یک پسر دهه شصتی اهل بم است، از چند جهت شنیدنی است؛ زیرا که او در خاطراتش تلاش کرده تا بدون سانسور، ریا و تملق، فهمش از مفهوم معبود و خدا را به نمایش بگذارد. درک او از خدا به آنچه از والدینش دیده و آنچه از معلم‌های دینی مدرسه یاد گرفته، گره خورده که این خود تجربه‌ای مشترک میان اغلب دهه شصتی‌ها و دهه هفتادی‌های ایرانی است.



«بازگشت از آسمان»

مجتبی رحماندوست در کتاب «بازگشت از آسمان»، سفر خود به حج عمره مفرده، ارمنستان، آلمان غربی، سوریه و لبنان را با لحنی گیرا و جذاب روایت می‌کند. مجتبی رحماندوست، نویسنده و شاعری است که در دوران جنگ، در جبهه‌ها حضور داشته و در دوره نهم مجلس شورای اسلامی نماینده بوده؛ او برادر مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده معروف کودک و نوجوان است.



«دورت بگردم»

کتاب «دورت بگردم» یادداشت‌های سفر حج فائزه غفارحدادی است که در خلال مطالب عرفانی، همواره رگه‌هایی از طنز و اتفاقات بامزه را هم روایت می‌کند و لحن کتاب و نگاه نویسنده، سرزنده و بازیگوش است. سفر نویسنده ۴۰ روزه بوده و عناوین نوشتاری به صورت قطعات کوتاهی بوده که بازمان مشخص شده است. غفارحدادی که پیش از این سفرنامه‌هایی چون «دهکده خاک بر سر»، «سر بر خاک دهکده» و «سفرنامه‌الی...» را نوشته بود، در چهارمین سفرنامه خود یعنی «دورت بگردم» نگاه متفاوتی را نسبت به مسأله حج روایت می‌کند. او در کنار اشک‌ها و لبخندها و اتفاقات ریز و درشتی که در آن سفر برای او رخ داده، زاویه دید تازه‌ای را درباره سفر معنوی حج به مخاطب نشان می‌دهد.



درآستانه موسم حج، به چند سفرنامه شاخص درباره حج نگاهی دوباره انداخته‌ایم

دورت بگردم یار!



سفر به قبله

بی‌گمان یکی از مطرح‌ترین کتب در زمینه سفرنامه‌نویسی حج، کتاب «سفر به قبله» هدایت‌ا... بهبودی است. کتاب سفر به قبله گزارش سفر بهبودی و چند نفر از دوستانش به مکه مکرمه و مدینه منوره در سال ۱۳۷۰ بوده که بازبانی شیوا بیان شده است. بهبودی در



ابتدا ضمن شرح بیان نابوری خود از تشریف به این سفر، گزارش روزانه سفر خود را جزء به جزء نقل می‌کند. نویسنده در این کتاب دو نوع نگاه سیاسی و معنوی به مراسم حج دارد. نگاه سیاسی اشاره به برخورد سعودی‌ها با ایرانی‌ها و سیاست‌های آنها در کمربند جلوه دادن جنبه‌های مذهبی و در عوض رونق دادن بازاریابی محصولات اروپایی، آمریکایی و چینی دارد. نگاه مذهبی به توصیف لحظه‌های ناب عرفانی، رنگ باختن تعلقات دنیوی و برابری انسان‌ها اعم از فقیر و غنی و رئیس و مرئوس و زن و مرد، وعده‌ها و شروط با خدا، توصیف جزء به جزء لحظات احرام، برائت از شیطان و وسوسه‌هایش دارد که انسان را مشتاق سفر به آن دیار می‌کند.

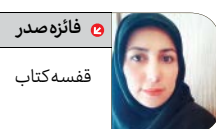
اعترافات شهر خدا

در کتاب «اعترافات شهر خدا»، راوی نخست خود مجید حسینی است که با دو نگاه متفاوت در این اثر روایتگری کرده و راوی دوم پسر یک ساله اوست که بخشی از این سفرنامه را روایت می‌کند و همین موضوع بر جذابیت این کتاب می‌افزاید. این کتاب در دو بخش بانام‌های «سفر به شهر خدا» و «سفر به شهر ظواهر» تألیف شده و در درون آن نیز تصاویری از مکان‌هایی که دستمایه خلق این اثر شده، منتشر شده است.



یار کجاست؟

«یار کجاست؟» را رحیم مخدومی نوشته است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پس از مطالعه این کتاب، در تقریظی بر آن نگاشتند: «بار دیگر موسم حج شد و وقت انس



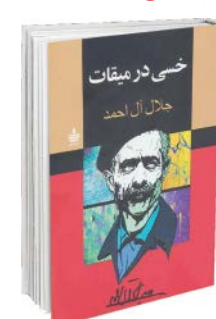
فائزه صدر

قفسه کتاب

وقتی که خبری از امواج رادیویی و تلویزیونی نبود و حس و حال حاجیان از طریق ویدئو و استوری‌های‌شان در شبکه‌های اجتماعی نمایان نمی‌شد، هر حاجی که دستی به قلم داشت، سعی می‌کرد حس و حالش از سفر معنوی و خاطره‌انگیز مکه و مدینه را از طریق خطوط کتاب‌ها به اشتراک بگذارد. در سال‌های دور که امکان چاپ کتاب هم برای همه فراهم نبود، نویسندگان حج‌گزار از این امتیاز استفاده می‌کردند و می‌توانستند بدون نوبت و دردسر، متن‌های‌شان را در قالب کتاب‌ها به دست مخاطبان برسانند. این روند البته هنوز هم ادامه دارد. مثلاً وقتی حامد عسکری با گروهی مستندساز به سرزمین وحی رفت تا برای تلویزیون گزارش‌هایی ادیبانه تهیه کند، وقتی از سفر برگشت، تصمیم گرفت سفرنامه‌اش را بنویسد و در قالب کتابی منتشر کند؛ چرا که هنوز هم سفرنامه‌های حج، خواندنی است. به بهانه اعزام کاروان‌های حجاج به مکه و مدینه و همزمانی این روزها با نمایشگاه کتاب تهران، تصمیم گرفتیم نگاه دوباره‌ای داشته باشیم به برخی از خواندنی‌ترین سفرنامه‌های حج....

خسی در میقات

شاید بشود معروف‌ترین سفرنامه حج را متعلق به سید جلال آل احمد نسبت داد؛ خسی در میقات. جلال آل احمد در کتاب «خسی در میقات»، نه فقط از جنبه زیارتی بلکه از زوایای مختلف به سفر حج نگاه کرده و مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاحتی و... را مورد توجه و تحلیل قرار داده است. این اثر یکی از معروف‌ترین سفرنامه‌های معاصر حج است که آل احمد در سال ۱۳۴۳ و در ۴۱ سالگی طی سفر حج نوشته است. شاید اولین ویژگی آن که به ذهن می‌رسد، موقعیت ویژه‌ای است که نویسنده در آن پایه چنین سفری گذاشته و به همین دلیل این سفر می‌تواند فصل تازه‌ای از حیات نویسنده محسوب شود.



فرصتی برای انتشار معارف

با مرتضی اخوی، مدیر روابط عمومی و تبلیغات دفتر نشر معارف درباره فعالیت‌های انتشار

کتاب تهران به نشر معارف تشریف آوردند و در همان سال از اهمیت توجه به نیاز نوجوانان صحبت کردند. همچنین در حوزه نوجوانان چه از طرف والدین و چه خود نسل نوجوان تقاضای کتاب زیاد بود. این مسأله باعث شد در دو سال گذشته فعالیت خود را در این زمینه بیشتر کنیم و حتی در کنار نشر معارف، برند برنا را ایجاد کردیم تا به صورت تخصصی به این موضوع بپردازیم. برنا واحد نوجوان نشر معارف است که در دو سال اخیر موفق به چاپ نزدیک به ۳۰ اثر شده است. این واحد بعد از برگزاری کارگروه و جلسات متعدد و نیازسنجی متولد شد. خوشبختانه از برخی کتاب‌ها استقبال بسیاری شده و حتی در کمتر از دو سال به چاپ‌های سوم و چهارم رسیده است. نویسندگانی چون وجهیه سامانی، مریم مقانی، علی اصغر عزتی پاک (آپارتمان کلاغ‌ها) و... با ما همکاری دارند. در نمایشگاه کتاب سال جاری، کتابی با عنوان عالیجناب شیخ فضل‌الله نوری برای رده سنی نوجوانان عرضه خواهد شد. همچنین تک‌رمانی با عنوان «ای کاش زودتر» به قلم سید احمد رضوی برای دختران نوجوان در دسترس عموم قرار خواهد گرفت که به صورت حرفه‌ای به پرسش‌های آنان پاسخ می‌دهد.

۱۲ به نشر کتاب‌هایی در حوزه ادبیات داستانی اشاره کردید. رذای معارف دینی در این آثار دیده می‌شود؟ چه اندازه برای پیشرفت در این حوزه تمرکز کردید؟

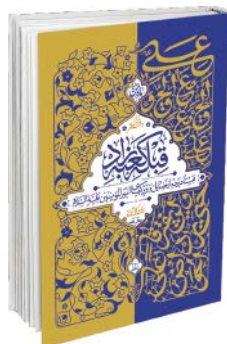
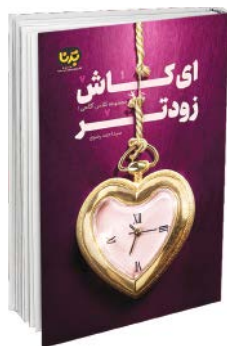
فیلتر همه‌آثاری که نشر معارف چاپ می‌کند، معارف و دین است. یعنی همه کتاب‌های داستانی ما که چاپ می‌کنیم، چه برای بزرگسال باشد و چه برای نوجوان با فیلتر دینی همراه است. گاهی به صورت مستقیم به زندگی اهل بیت (ع) و یاران آنان پرداخته شده، گاهی برشی از زندگی ایشان پردازش شده یا بصورت غیرمستقیم با روایت داستانی تلاش شده است گرهی از مشکلات اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی زندگی مردم در بستر آموزه‌های دینی باز شود یا گوشزد گردد. این نکته را نیز اضافه کنم که توجه ما به ادبیات داستانی برگرفته از نیاز جامعه و رهنمودهای مقام معظم رهبری است. توجه ویژه رهبر معظم انقلاب به سبک زندگی ایرانی-اسلامی در سال‌های اخیر ما را به این موضوع متوجه کرد که با تکیه بر ادبیات داستانی و استفاده از قالب داستان و رمان می‌توان این دغدغه ارزشمند رهبری را پوشش داد.

۱۳ چه کتابی با محوریت تلفیق سبک زندگی و ادبیات داستانی منتشر کردید؟

کتابی با عنوان «ستاره‌ها چیدنی نیستند» منتشر شده که در قالب داستان به موضوع حجاب پرداخته است. در این کتاب موضوع پوشش و حجاب از نگاه شرقی و غربی از ابتدای تاریخ تا کنون بررسی شده و سپس دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده تلاش کرده است معقول و منطقی به موضوع بنگرد. قالب این کتاب داستانی است. کتاب «ای کاش زودتر» در قالب داستانی به بسیاری از دغدغه‌های نوجوانان دختر در زمینه‌های مختلف پاسخ می‌دهد. مسائلی مانند ارتباط با جنس مخالف، شیوه ارتباط با والدین و دیگر گزاره‌های سبک زندگی اسلامی از مباحثی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. علاوه بر این در موضوع سبک زندگی اسلامی کتاب‌هایی غیر از قالب داستانی نیز منتشر کرده‌ایم که کتب بسیار خوبی هستند.

۱۴ نشر معارف در این دوره سی ساله فعالیت خود چه موفقیت‌هایی در حوزه کتاب کسب کرده است؟

نشر معارف در چهار سال گذشته، جزو پرفروش‌ترین ناشران نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بوده است. این رتبه‌بندی



این کتاب مورد نیاز برخی سازمان‌ها بود و البته مورد استقبال نیز قرار گرفت. این یکی از راه‌های استخراج نیاز مخاطب است. روش دیگری که برای نیازسنجی به آن اتکامی‌کنیم، رویدادهای جامعه است. به عنوان مثال بعد از پخش سریال معاویه، کتابی مستند با محوریت امیرالمؤمنین (ع) نوشته شد که در آن نویسنده بسیار محققانه به شبهات موجود پاسخ داد. این کتاب نیز با توجه به شبهات پیش آمده بسیار مورد توجه قرار گرفت. به هر صورت درصد بسیار کمی از تولیدات ما سفارشی است. مثلاً از ۸۰ عنوان کتابی که در سال منتشر می‌شود، شاید دو یا سه عنوان کتاب به سفارش سازمان‌ها باشد.

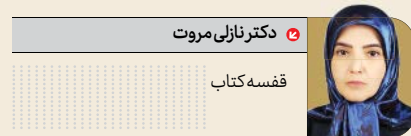
۱۵ در حوزه انتخاب موضوعات، پیشنهاد نویسنده یا کارگروه محتوا چه جایگاهی در انتخاب موضوعات و نشر کتاب‌های شما دارد؟

در برخی موارد پیشنهاد نویسنده است. اگر نویسنده کتابی را برای نشر به دفتر می‌سپرد، انتشارات براساس نیاز جامعه آن اثر را جذب می‌کند. یکی از راه‌های تشخیص نیاز جامعه، دانشگاه‌هاست. اساتید دانشگاه در این زمینه نظرات خود را بیان می‌کنند. فضای مجازی راه دیگری برای کسب اطلاعات در این زمینه است. پرسش‌ها و شبهاتی که در فضای مجازی احصاء می‌شود، راه دیگری است که ما به نیاز مخاطب دست پیدا می‌کنیم. یکی دیگر از راه‌های استخراج نظام موضوعات برگزاری نمایشگاه‌ها و ارتباط مستقیم با مراجعان است. آنها با مراجعه و پرسش درباره کتاب‌های مورد نیاز خود این زمینه را ایجاد می‌کنند که بعد از بررسی درباره موضوعات مورد نیاز کتاب نوشته شود. مباحثی مانند ازدواج، امر به معروف و تریت کودک مورد نیاز مخاطب بوده است. در یکی از نمایشگاه‌ها، مخاطبان و مراجعان درباره حضرت زینب (س) تقاضای کتاب داشتند که موجب شد نشر معارف ملتزم به رایزنی با نویسنده و نشر کتاب شود. مورد دیگری که بسیار محل تقاضا بود، اثر در مورد رسانه بود. این نیاز موجب شد در سه سال اخیر آثار خوبی در این زمینه به چاپ برسد. امسال نیز اثری از دکتر یامین پور در حوزه رسانه عرضه خواهیم کرد. همچنین همکاران بخش بازرگانی در طول سال بیش از ۲۰ بار در نمایشگاه‌های استانی شرکت می‌کنند. به این معنا که با سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف در استان‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و در نمایشگاه‌های کتاب آنجا حضور پیدا کرده یا به صورت اختصاصی نمایشگاه برپا می‌کنند. این موارد در کنار حضور فعال نشر معارف در نمایشگاه بین‌المللی کتاب است. حضور نشر معارف در همه این نمایشگاه‌ها موجب استخراج موضوعات جدید برای نشر کتاب است.

۱۶ واحد برنا هم از دل همین نمایشگاه‌ها متولد شد؟
بله. مورد دیگری که موجب یک اقدام اساسی شد، این بود که رهبر معظم انقلاب دو سال پیش در نمایشگاه بین‌المللی

بستر نمایشگاه برای معرفی معارف به مردم

علاوه بر این با دعوت از نویسندگان نشر معارف و سایر ناشران برای حضور در غرفه تلاش کردیم رابطه بین مخاطب و نویسنده قوی‌تر و عمیق‌تر شود. انجام گفت‌وگو با نویسندگان، معرفی کتاب و ایجاد ارتباط با سایر نویسندگان برای آغاز همکاری با نشر معارف از فرصت‌های بسیار خوبی بود که در نمایشگاه ایجاد شد. برای نشر معارف، نمایشگاه بین‌المللی کتاب بستری برای معرفی به مخاطب و ایجاد ارتباط با نویسندگان، مخاطبان و سایر ناشران است.



دکتر نازلی مروت

قفسه کتاب

دفتر نشر معارف وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌هاست که در زمینه‌های مختلفی به انتشار کتاب با محوریت معارف اسلامی همت گماشته است. نشر معارف فعالیت خود را از سال ۱۳۷۴ آغاز کرده و اینک در آستانه سی سالگی علاوه بر گسترش عرصه‌های نشر کتاب به جوانی برومند در این وادی می‌ماند که راه پیش رو را با افق روشن می‌نگرد. مرتضی اخوی، مدیر روابط عمومی و تبلیغات انتشارات معارف در گفت‌وگو با «قفسه کتاب» ضمن تشریح فعالیت‌ها به ارائه برنامه‌های آتی انتشارات پرداخت.

۱۷ نشر معارف فعالیت خود را با چه هدفی آغاز کرد؟

از آنجا که انتشارات معارف زیر نظر نهاد رهبری در دانشگاه فعالیت خود را آغاز کرد، در ابتدای شروع فعالیت به انتشار کتاب‌های عمومی دانشگاه پرداخت. کتاب‌ها زیر نظر اساتید معارف دانشگاه تدوین و تألیف می‌شد و در اختیار دانشجویان قرار می‌گرفت. انتشار کتاب‌های دانشگاهی وظیفه نشر معارف است. ما در محتوای این کتاب‌ها دخالتی نداریم و از سوی نهاد تأیید و توسط نشر معارف منتشر می‌شود. مدیران مجموعه بعد از گذشت مدتی به این نتیجه رسیدند که نشر کتب عمومی دانشگاهی لازم است اما کافی نیست. زمانی به این ضرورت پی برده شد که دانشجویان پرسش‌های بسیاری داشتند که باید پاسخ داده می‌شد. به همین دلیل مجموعه کتبی را با عنوان پرسش‌ها و پاسخ‌ها منتشر کرد که به بیش از صد جلد رسید. اما این همه ما جرات نداشتیم «معارف» در دهه هشتاد بصورت جدی تری وارد بحث محتوا شد و یک مدیر محتوایی به جمع مدیران و کارکنان پیوست. از این ایام درباره موضوعات مختلف با نویسندگان وارد مذاکره شده و با توجه به نیازی که استخراج شده بود، کتاب‌هایی منتشر شد. به جز کتب دانشگاهی، آثاری که از سوی نشر معارف منتشر می‌شود، داستان بزرگسال، داستان نوجوان، روانشناسی، سیاسی، ادبیات داستانی و داستان کوتاه و... بوده است. به عنوان نمونه چند اثر خوب در زمینه سیاسی منتشر شده است.

۱۸ سوژه‌یابی و نیازسنجی موضوعات مورد تقاضای مخاطب چگونه صورت می‌گیرد؟

در برخی موارد همکاران واحد بازرگانی با سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی، خصولتی و خصوصی ارتباط گرفتند و آنها به فراخور نیاز به ما سفارش کتاب داده‌اند. به عنوان نمونه یکی از کتاب‌های سفارش داده شده، «دست‌های بوسیدنی» باتکیه بر فرمایشات مقام معظم رهبری درباره کارگران بود که نوشته شد. در این کتاب تلاش شد درباره ضرورت احترام به پدرانی که افتخار کارگری دارند، به فرزندان آنان یادآوری شود.

۱۹ برای کدام کتاب نشست تخصصی برگزار کردید؟

برای کتاب زنان زندانی چون موضوع روز جامعه است، نشست تخصصی برگزار کردیم. همچنین برای کتاب امر به معروف آیت‌الله حائری شیرازی با تکیه به موضوع امر به معروف نشست تخصصی خواهیم داشت. بازسازی پیمان شکست خورده که به موضوع مسائل زناشویی پرداخته عنوان کتاب دیگر نشر معارف است که با حضور روانشناسان و برپایی نشست تخصصی به معرفی آن خواهیم پرداخت.

پای صحبت محسن روحانی، حقوق خوانده‌ای که در «چمدان‌های باز» از مهاجرت نوشته است

بی هیچ قضاوتی درباره مهاجران

مهاجران شبیه هم هستند اما این که یک مهاجر در چه شرایطی مهاجرت کرده، دلایلش چه بوده و مسیر و مقصدش چیست، داستان آدم‌ها را متفاوت می‌کند. من در کتاب ۶۳ روایت دارم که هیچ‌کدام شان شبیه به هم نیستند. در واقع به تعداد آدم‌های هجرت کرده، داستان وجود دارد اما همان طور که گفتم نقاط مشترک زیادی هم بین آنهاست که پیوندشان را نزدیک می‌کند. مهاجرت چیزی نیست که بشود نسبت خوب یا بد به آن داد.

کتاب شما نثری روان دارد و نوع نگارش شما به گونه‌ای است که می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند. با عنایت به این که تخصص شما در حوزه حقوقی است، چه شد که کتاب چمدان‌های باز با چنین نثر و نگاهی نوشته شد؟

جالب است که بگویم حقوقی بودن در مسیر نوشتن کتاب بسیار به من کمک کرد؛ چرا که به عنوان کسی که حقوق خوانده، یاد گرفته‌ام ابتدا بدون هرگونه قضاوتی داستان آدم‌ها را بشنوم. برای همین همیشه بیشتر از این که حرف بزنم گوش می‌دهم و این موضوع باعث می‌شود افراد بدون محدودیت حرف بزنند. به نظرم همین موضوع باعث می‌شود حرف‌هایی را که در دل دارند، به زبان بیاورند و این گونه روایت‌ها به واقعیت زندگی مهاجران خیلی نزدیک می‌شود و خوانندگان کتاب با روایت‌ها احساس نزدیکی می‌کنند. درباره نثر کتاب هم همین طور است. تلاش کرده‌ام زبان روایت‌ها ساده و در عین حال بازگوکننده واقعیت‌ها باشد. بماند که از مزایای شروع نوشتن در فضای مجازی و بعد به نویسندگی کتاب رسیدن، همین است که باز خورد مالموس و سریع است و متن‌ها هم اغلب بدون پیچیدگی و روان و سریع نوشته می‌شوند. عملاً ن نوشته‌ها، به من جرأت نگارش کتاب و چاپش را داد.

شما روایت‌های گوناگونی از مواجهه با افراد مهاجر در آمریکا داشته‌اید. کدام یک از این روایت‌ها برای خودتان جذاب‌تر بود؟

از «هجرت حشرات»، تا «پلک‌های گوزن» و «بغض سرهنگ» همگی برای من پراز حس هستند و هنوز هم هر وقت فرصت کنم دوباره روایت‌ها را مرور می‌کنم. من در «چمدان‌های باز» خیلی صادق بودم، اول از همه صادق با خودم و به همین خاطر هم هست که هر زمان دلم می‌گیرد یا حال و هوایم تنهایی می‌طلبد، به کتاب پناه می‌برم و از روزهای اولم می‌خوانم. در واقع می‌روم به ابتدای این مسیر سخت و هنوز هم با خواندن روایت دوم، خنکی کفپوش فرودگاه ابوظبی را با تمام وجود حس می‌کنم.

آیا بازخوردهای مخاطبان کتاب خود را داشته‌اید؟ چه بازخوردی به شما می‌دادند؟

بله خوشبختانه یکی از مزایای انتشار کتاب به نسبت پست‌های اینستاگرامی همین است. این که از زمان چاپ اول کتاب تا امروز تعداد زیادی از مخاطبان و خوانندگان کتاب به بنده لطف داشته‌اند و کتاب را دوست داشته‌اند و درباره کتاب در صفحات مجازی و رسانه‌ها نوشته‌اند. همین طور نقدهایی هم داشته که برایم مفید بوده و تلاش می‌کنم از آنها استفاده کنم. مخاطب، اول کتاب را در کتابفروشی می‌بیند، می‌خواند، بعد می‌گردد در فضای مجازی و نویسنده‌اش را پیدا می‌کند و بعد هم برای انعکاس نظرش، مستقیم می‌آید در دایرکت و یک پیام بلند بالا ضمیمه عکس جلد کتاب، کنار استکان چایی و خرمایش می‌فرستد. من از این نقد و نگاه‌ها خیلی درس گرفته‌ام.

شما کتاب‌هایی در حوزه حقوق دارید. آیا بنا دارید کتاب یا کتاب‌های دیگری در همین فضای چمدان‌های باز و یا موضوعاتی نظیر این داشته باشید؟

واقعیت این است که همان طور که اشاره کردم من حقوق را از داستان دور نمی‌بینم. حتی در تلاش هستم که بتوانم این پیوند را در کتابی دیگر بیشتر نشان دهم. استقبال مخاطبان کتاب، شوق ادامه این راه را در من ایجاد کرده و امیدوارم بتوانم کتابی در همین فضا بنویسم که هم برای مخاطب عمومی و هم مخاطب حقوقی جذابیت داشته باشد. شغل امروز من هم مرتبط با هر دو موضوع است و احتمالاً کتاب بعدی، «چمدان‌های باز ۲»، پراست از داستان زندگی مهاجران و چالش‌های آنها با قوانین جدید کشور ایالات متحده.

اشاره: کتاب «چمدان‌های باز»

۶۳ روایت از زندگی آدم‌های مختلف است که به نوعی پیچ‌وتاب می‌خورد و

مسیرش را به سمت وسوی روایت نویسنده تغییر می‌دهد. نخ تسبیح این روایت‌ها اما یک چیز است: «مهاجرت»! مفهومی که برای آنهايي که تجربه‌اش کرده‌اند با آنهايي که مهاجرت را تجربه نکرده‌اند، زمین تا آسمان تفاوت دارد؛ به خصوص در جامعه امروز ما که تب مهاجرت حساسی بالا گرفته و خیلی‌ها بدون هیچ تصویری از مهاجرت دل‌شان می‌خواهد چمدان‌هاشان را ببندند و در این مسیر قدم بگذارند. کتاب چمدان‌های باز اما بی‌آن‌که بخواهد پدیده مهاجرت را قضاوت و ارزشگذاری کند، پای صحبت‌های آدم‌هایی نشسته که تجارب‌شان را در چمدانی گذاشته و به دنبال کسب تجربه‌های تازه به سرزمینی ناشناخته پا گذاشته‌اند و غربت اگرچه آزاردهنده است اما همه این آدم‌ها می‌خواهند زندگی خودشان را بسازند و از صفر شروع کنند و چمدان‌هایی که همین حالا هم باز است و قصه‌هایی که پایانی ندارند! به مناسبت چاپ پنجم کتاب «چمدان‌های باز» به سراغ سید محسن روحانی رفته‌ایم و پای صحبت‌های وی نشستیم.

ایده نوشتن کتاب «چمدان‌های باز» چگونه به ذهن‌تان رسید و چه انگیزه‌ای موجب شد این کتاب را با شکل و شیوه کنونی و به قول خودتان به عنوان برداشتی آزاد از احوال آدم‌های مهاجرت کرده، روایت کنید و بنویسید؟

ایده اولیه کتاب، از تنوع و جذابیت داستان زندگی دوست و آشنا و غربیه مهاجر شروع شد. این که به عنوان یک مهاجر پای صحبت مهاجران دیگر بنشینم، همیشه برایم جذاب بوده. بین این صحبت‌ها نقاط مشترک زیادی وجود دارد که آدم‌های غربت‌نشین را به هم پیوند می‌زند و این پیوند از جنسی فرای سرزمین و وطن است. مهاجران چیزهایی را تجربه می‌کنند که در ضمن این که هرکدام از تجربه‌ها منحصر به فرد است، برای تک‌تک مهاجران قابل درک و این موضوع هزاران داستان با یک خط مشترک به نام «مهاجرت» است. وقتی گوش شنوایی برای داستان مهاجران باشی، روایت‌ها سازیری می‌شود. بعد که استقبال مخاطبان را دیدم تصمیم گرفتم روایت‌ها را جمع‌آوری کرده و در قالب کتاب به چاپ برسانم.

شاید برای خیلی از افراد و به خصوص جوانان مهاجرت به آمریکا یک رویا باشد و شما این رویا را زندگی می‌کنید. فکر می‌کنید خواننده کتاب شما بعد از خواندن این کتاب چه نگاهی به مهاجرت داشته باشد؟

مهاجرت برای کسانی که تجربه‌اش نکرده‌اند و رویایش را دارند، خیلی متفاوت‌تر از چیزی است که بعد از طی مسیر اتفاق می‌افتد. خصوصاً در ایران که در سال‌های اخیر تب مهاجرت بالا گرفته. به همین دلیل من در کتاب سعی کردم هیچ قضاوتی نسبت به روایت مهاجران نداشته باشم و صرفاً داستان آنها را روایت کنم. به نظرم این که هر شخصی خودش بتواند دنیای شخصی خودش را بسازد، خیلی ارزشمند است. برای مخاطبان کتاب هم تلاش‌م بر این بوده که با خواندن روایت‌ها بتوانند نگاه شخصی خودشان را از داستان مهاجران بسازند. در واقع این موضوع باعث می‌شود مخاطب، روایت‌ها را در دنیای شخصی و ذهنی خودش درک کند و بعد تصمیم بگیرد که به موضوع مهاجرت چگونه نگاه کند.

کتاب شما روایتی متفاوت و شاید واقع‌بینانه از مهاجرت دارد...

مهاجرت از آن موضوعاتی است که شروعش برای همه یکسان است. شما تصمیم می‌گیرید آنچه در وطن خود داشته‌اید و تجربیاتی که کسب کرده‌اید را در چمدانی بگذارید و برای کسب تجربه‌های نو یا به سرزمین ناشناخته‌ای بگذارید. این موضوع خیلی فراتر از سفر کردن است. هجرت یک جور شروع دوباره است از صفر! با این تفاوت که شما خود خواسته تصمیم گرفته‌اید که از صفر شروع کنید و همین موضوع به مهاجران انگیزه می‌دهد که خود جدیدشان را در سرزمینی که برای ادامه زندگی انتخاب کرده‌اند با تعاریف جدید و در محیطی جدید بازتعریف کنند. تا اینجا جای ماجرا تقریباً همه

اسلامی

ارات متبوعش گفت و گو کردیم

به تناوب بین اول و دوم تا پنجم متغیر بوده است. ما چه در فروش فیزیکی و چه مجازی رشد خوبی داشته‌ایم. سال گذشته در نمایشگاه کتاب، مجموعه کتاب ۴ جلدی راه‌رشد، پرفروش‌ترین کتاب نمایشگاه کتاب شد. اما بخش دیگری از موفقیت‌های نشر معارف، حضور در جشنواره‌ها، همایش‌ها و سایر رویدادهای فرهنگی است. مثلاً در جشنواره فلسطین یکی از آثار ما جایزه بین‌المللی فلسطین را از آن خود کرد. در جشنواره اربعین دو کتاب نشر معارف رتبه اول و دوم را از آن خود کردند. یکی از این آثار کتاب طوطی و تاول اثر آقای اکبری دیزگاه و دیگری باغ اسلیمی نوشته بشرا صاحبی است.

در حوزه ترجمه آثار در چه سطحی فعالیت می‌کنید؟
برای دعوت به همکاری مترجمان با انتشارات هماهنگ شده و کتاب را به آنها می‌سپاریم. تاکنون نزدیک به ۵۰ اثر نشر معارف ترجمه شده است. به عنوان نمونه کتاب «هانی» آقای حامد عسکری به عربی ترجمه شده است. کتاب علی از زبان علی (ع) به سه زبان ترکی استانبولی، عربی و اردو ترجمه شده است. همچنین کتاب ایلهان از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است که در نمایشگاه کتاب عرضه خواهد شد.

سرنوشت پاتوق‌های کتاب نشر معارف چه شد؟
نشر معارف برای رفع نیازهای فرهنگی مردم به تأسیس پاتوق کتاب در سراسر کشور دست زد. در این پاتوق کتاب علاوه بر ارائه آثار نشر معارف به توزیع آثار جبهه انقلاب در استان‌های مختلف پرداخته می‌شد. به همین منظور برای فروش آثار نشر معارف و سایر ناشران فروشگاه‌هایی تأسیس شد. در حال حاضر ۳۸ فروشگاه در شهرهای مختلف فعالیت می‌کنند که بسیار فعال هستند و با استقبال مخاطبان به فعالیت خود ادامه می‌دهند. ۶ فروشگاه در طرح‌های فصلانه خانه کتاب، جزوده فروشگاه برتر کشور هستند. در این فروشگاه‌ها متناسب با ظرفیت فیزیکی مراسم مختلفی برگزار می‌شود. جشن امضای کتاب یکی از این برنامه‌هاست.

نشر معارف در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران چگونه ظاهر شد؟

نمایشگاه کتاب تهران، بهار کتاب است و ما از اسفند برنامه‌ریزی می‌کنیم. در نمایشگاه امسال هم چندین اثر ویژه را به مخاطب عرضه خواهیم کرد. یکی از این آثار دوره سه جلدی قبله کعبه زاد به قلم آقای حامد کاشانی است که اسفند ماه منتشر شد و در پیش فروش ۲۰۰۰ دوره از این مجموعه سه جلدی فروخته شد. برای این کتاب جشن امضا و رونمایی خواهیم داشت. کتاب داستان فراموشی به قلم دکتر وحید یامین‌پور نیز در نمایشگاه امسال عرضه خواهد شد. این کتاب در امتداد ماجرای فکر آوینی است که با مراسم رونمایی و جشن امضا همراه است. تربیت نسل متفاوت از دکتر سعید عزیزی، عنوان کتاب دیگری است که توسط نشر معارف عرضه خواهد شد. «رسم انتخاب» نام دیگری از کتاب‌های نشر معارف به قلم دکتر برمایی است که در نمایشگاه امسال همراه با جشن امضا و رونمایی تقدیم نگاه مخاطب خواهد شد. کتاب زنان زندانی ترجمه مقالات غربی است که به مسأله زن در غرب پرداخته و موضوع شیء‌انگاری زن در غرب را مطرح کرده است. موج بلند به قلم آقای عزتی پاک دیگر اثری است که در قالب روایت از خاطرات ناودریایی ایران نوشته شده است و به نمایشگاه امسال خواهد رسید. کتاب از اتم تا بی‌نهایت نوشته نرگس سادات مظلومی اثر جدید نشر معارف است که به زندگی شهید پروفیسور علی محمدی از زبان همسر شهید؛ دکتر منصوره کریمی پرداخته است. کتاب، پرداخت خوبی دارد.



حرف‌هایی جدید درباره مسائل زنان

در نشست غرفه مجمع ناشران انقلاب اسلامی، کتاب «از ترس تنهایی» نقد و بررسی شد. اسماعیل امینی در این نشست گفت: ما معمولاً درباره مسائل زنان حرف نمی‌زنیم یا با استعاره و پرده‌پوشی درباره این قشر صحبت می‌کنیم اما زنان دیگر مثل سابق مستور نیستند و در جامعه حضور فعالی داشته و بخش مهمی از فعالیت‌های جامعه را در دست دارند.

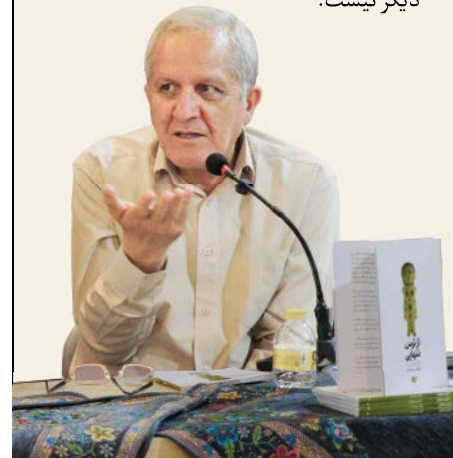
امینی درخصوص نسبت سنت‌با دین در گذشته اظهار کرد: یکی از دعوای زمان مشروطه این بوده که با حضور مشروطه‌خواهان، دختران از خانه‌ها خارج شده و به مدرسه خواهند رفت و به این صورت، دیگر چیزی از دین باقی نمی‌ماند اما اکنون آن دختران تبدیل به مدیران جامعه شده‌اند.

در گذشته، تربیت سنتی هیچ نسبتی با دین نداشت اما تصور می‌کردند بخشی از دین است درحالی‌که در منابع مربوط به صدر اسلام، هیچ نشانی از غیبت زن در اجتماع و مساجد و جنگ‌ها نیست. این سنت‌ها در هر کشور و منطقه و قومی برای خود رنگ خاصی داشت و به تدریج با عقایدی که تصور می‌کردند مقدس است، درآمیخته می‌شد و برای حفظ آن عقاید می‌کوشیدند.

اودرباره ویژگی‌های کتاب بیان کرد: در این کتاب، نویسنده با هوشمندی به تمام جوانب زندگی زنانه توجه کرده است. قصه‌ها بسیار کوتاهند و به خیلی از آن مسائل اشاره‌وار توجه شده است. ارشاد بسیاری از این داستان‌ها را حذف کرده بود که با تلاش ناشر در اثر باقی ماندند. داستان‌های این کتاب به لحاظ تکنیکی غنی و پربارند و زبان اثر پذیرفتنی و بدون اعوجاج است. حرف بزرگ نویسنده این است که درباره مسائلی که حرف نمی‌زنیم و پنهان‌شان می‌کنیم، می‌توانیم حرف بزنیم و آنها را حل کنیم. اگر این کتاب بی‌ادعا بتواند زمینه‌ساز باشد تا در مجامع جدی‌تر به این موضوعات از منظر خودمان و نه از منظر فرهنگ وارداتی بپردازیم، خدمت بزرگی به فرهنگ مان کرده‌ایم.

این کارشناس افزود: غالباً نویسندگان جوان در آثارشان خیلی زود درخصوص مسائل به قطعیت می‌رسند و اعلام موضع می‌کنند اما نویسنده این کتاب با وجود جوان بودن، دچار خامی نیست و با پختگی به جزئیات و موضوع نگاه کرده.

تبدیل مسائل اجتماعی و حقوقی و دیگر مسائل کتاب به داستان‌های کوتاه، کار ساده‌ای نیست و فکر پشت این داستان‌ها قرار دارد. در این اثر حرف هیچ قصه‌ای، تکرار حرف قصه دیگر نیست.



نگاهی دو جانبه به یکی از پرمخاطب‌ترین آثار حجت الاسلام حیدری ابهری

خاطرات خدا را دریابیم



«کودکان می‌پرسند» که خیلی برای فرزندانم جذاب بود و جزو معدود کتاب‌هایی بود که با وجود قطر و حجم، خواندنش را در مدت کوتاهی تمام کردیم. کنجکاوشدم در مورد نویسنده بیشتر بدانم. کافی بود جست‌وجوی کوتاهی در فضای مجازی داشته باشم تا متوجه شوم حجت الاسلام غلامرضا حیدری ابهری، سال ۱۳۴۸ در تهران به دنیا آمد. به خاطر علاقه به علوم دینی، تحصیلات دوره دبیرستان را نیمه‌تمام رها کرد و به قم رفت و از محضر اساتید بزرگ حوزه بهره برد. او همزمان با تحصیل، نویسندگی را نیز تجربه کرده. این نویسنده خوش ذوق سه سال در مرکز فرهنگ و معارف قرآن به سؤالات کتبی دانش‌آموزان پاسخ می‌داده و چندسالی هم با دارالحديث همکاری می‌کرده. غلامرضا حیدری شش سال هم در نمایشگاه قرآن حضور داشته و به سؤالات دینی کودکان و نوجوانان پاسخ داده است. آنچه به نظر نگارنده جالب است این که چندین کتاب از وی، حاصل همین گفت‌وگوهای رودررو با کودکان و نوجوانان است.

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده.

مخاطب در کتاب‌های حجت الاسلام حیدری می‌بیند که هنر و طبع ظریف نگارش در خدمت آموزش نکات دینی و مهارت‌های زندگی درآمده است. او با جملاتی صمیمی و کاربردی به خوبی توانسته بسیاری از مسائلی را که خانواده‌ها به سختی می‌توانند به فرزندان‌شان یاد بدهند یا باورهایی که تفهیم آنها به بچه‌ها سخت است با جملات و نحوه نگارش خاص به کودکان و نوجوانان آموزش بدهد.

کتاب «خاطرات خدا» مثل بسیاری از کتاب‌های او با داستان‌هایی از زندگی روزمره که برای بچه‌ها ملموس است به خوبی و لطافت، خدا را همراه و دوست بچه‌ها نشان می‌دهد. کوتاه کلام این‌که: حالا که بازار نمایشگاه بین‌المللی کتاب و رفتن و خرید کتاب داغ است، «انتشارات جمال» گزینه خوبی است برای تهیه کتاب‌های خوب در حوزه کودک و نوجوان.



اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

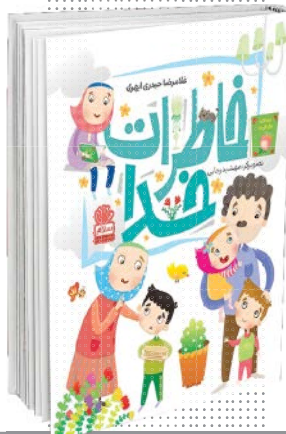
اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده

اگر بخواهم برآوردی از مجموع کتاب‌های آقای حیدری داشته باشم، آنچه واضح و مشخص است، این است که «مقوله هنر» و هنر نویسندگی حاج آقا، تمام و کمال به خدمت دین و فرهنگ و آموزش درآمده



نویسنده خوب و مهربان

یاد گرفتم وقتی کسی یک سنگ یا یک چوب یا هر چیز مزاحم دیگری را از سر راه مسلمانان برمی‌دارد ثواب فراوانی به دست می‌آورد. به نظر من نویسنده این کتاب که این همه مطالب خوب از او یاد گرفتم، آدم خوب و مهربانی است و من از او تشکر می‌کنم.

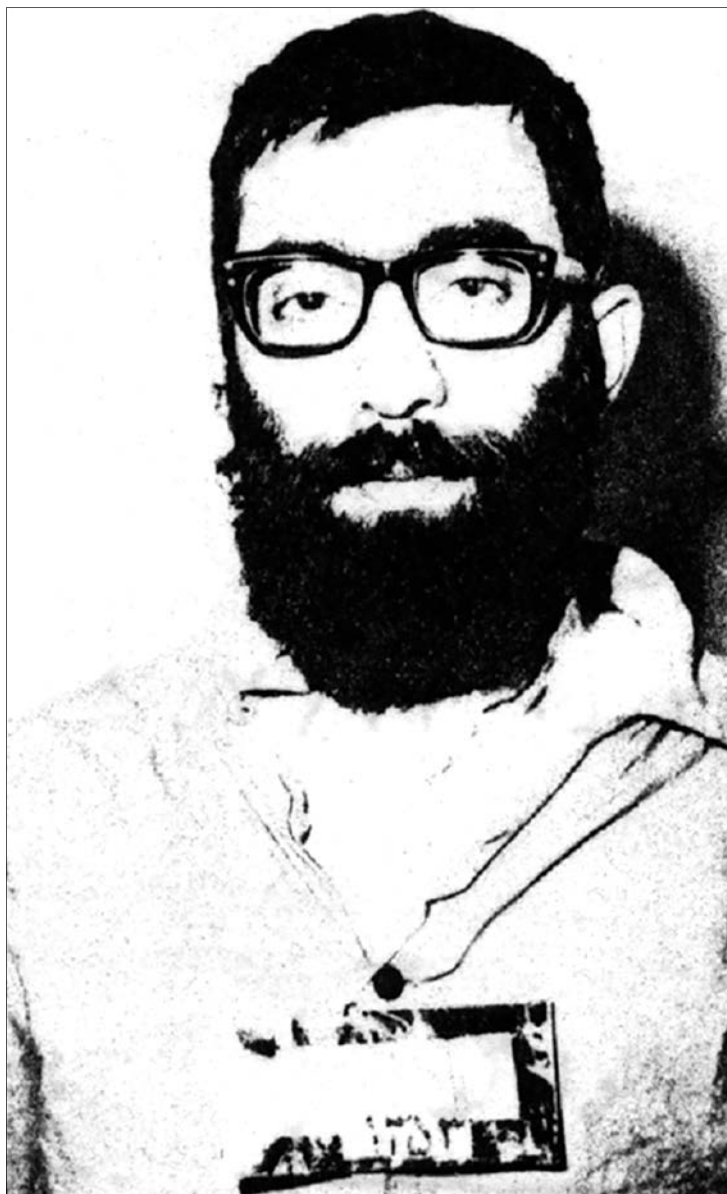
را شانه کنم و کسی را مسخره نکنم. یاد گرفتم که قرآن خواندن ثواب دارد و همیشه باید به دیگران سلام کنم. یاد گرفتم صلوات فرستادن ثواب دارد. یاد گرفتم صدقه دادن خیلی ثواب دارد و وقتی صدقه بدهیم خدا به ما لبخند می‌زند و گناهان ما را می‌بخشد.

فاطمه بشری رشیدی مهرآبادی

۷ ساله



کتاب «خاطرات خدا» خیلی قشنگ بود. من از این کتاب یاد گرفتم که همیشه با ادب و منظم باشم و همیشه وقتی به جایی می‌روم موهابیم



مشترک ضد خرابکاری ساواک، با گردن آویز شماره زندانی، گرفته شده و نوری از لابه لای میله های زندان به چهره شان تابانیده اند و قهرمان قصه زل زده است به دوردست ها تا که عکس، شرح عنوان کتاب باشد، یعنی که «در نومیذی بسی امید است و پایان شب سیه سپید است» و «نور بالاخره راهی برای تابش پیدامی کند و تو را خواهد یافت» و «خون دل باید بخوری تالعل به دست بیاوری».

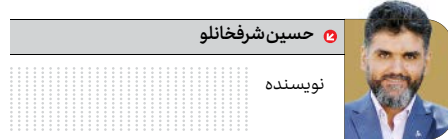
بعد از انتشار در لبنان

کتاب را که انتشارات انقلاب اسلامی چاپ کرده، در اصل به زبان عربی نوشته شده است و راوی، خود نویسنده و شوق و ذوقش به استفاده از زبان قرآن و نوشتن با آن راهیچ پنهان نمی کند و قلم به دست می گیرد تا برای جوان های متولد بعد از سال ۴۰۰۰ میلادی در لبنان، به عربی بنویسد از ایام رنج و سختی مقاومت و مبارزه و زندان و شکنجه. «ان مع الصبر نصر» (عنوان عربی کتاب) را که همراه با صبر به پیروزی دست خواهیم یافت! و کتاب بعد از انتشار در لبنان برای مخاطب ایرانی به فارسی برگردانده شده است.

و اینها را که برای مددجوها می شمردم، دهان شان از تعجب باز مانده بود که «مگر می شود شخص اول مملکت هم، سابقه زندان و انفرادی داشته باشد؟» و می گفتم در نسخه هایی که از این کتاب که امروز بعد از جلسه به کتابخانه زندان تان توسط سازمان فرهنگی - هنری شهرداری خوی، هدیه خواهد شد، خواهید خواند که رهبر برای مخاطب عرب زبان که ایران را بلد نیست و شرق و غربش را نمی شناسد، قصه را از سر تعریف کرده از شرح این که در مشهد به دنیا آمده و مشهد، مرکز خراسان است در شرق ایران و محل دفن امام هشتم شیعیان و سال و ماه و روز تولدش را به قمری گفته است، ۲۸ صفر ۱۳۵۸، می شود فروردین ۱۳۱۸ خورشیدی خودمان.

روایتی متفاوت و نگاهی دیگر بار به یک کتاب ارزشمند؛ «خون دلی که لعل شد»

پایان شب سیه سیاه است

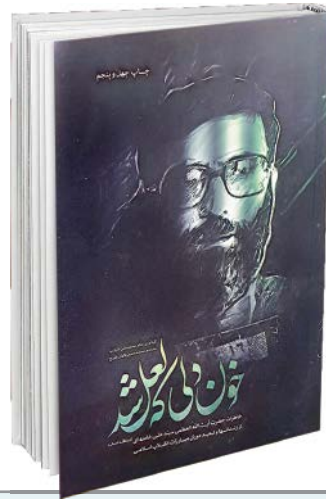


قول و قرارمان با هادی درستی (رئیس اداره کتابخانه های عمومی شهرستان خوی) از همان روز اولش این بود که در برنامه های زندان، کتاب مرتبط ببریم و خدا را شکر که در این یکی دودهمه اخیر، کتاب و صدا البته کتاب خوب، خیلی تولید شده و به برکت دامن گیر شدن ابزارهای اطلاع رسانی و توزیع و فروش آسان اینترنتی، دیگر مثل سال های کودکی مان نیست که ما شهرستانی ها سفر کنیم به شهرهای بزرگی و آنجا فرصت سر زدن به راسته کتابفروشی ها داشته باشیم و آیا کتاب خوب به تورمان بخورد یا نخورد.

این سال ها شکر خدا، برای هر جمعیتی، کتاب خوب، فراوان تولید شده و برای همین است که جلسات معرفی کتاب مان در زندان، همیشه با معرفی اثری بوده که با زندان و زندانی مرتبط باشد. و البته که بعد از قفل سوم، روابط و مسأله ها با بیرون فرق می کند و زندان، سبک و آیین خودش را دارد.

داخلی داخلی زندان

و بگویم راجع به اصطلاح «قفل» در زندان که هر زندان یک در بزرگ ورودی دارد که همیشه قفل است و با اذن و اجازه باز می شود به محوطه و بخش اداری و راهروی مراجعان و ملاقات کنندگان. بعد یک در دیگر که باز قفل دائمی رویش هست و باز شدنش کمی سخت تر از قفل اولی است و راه دارد به ورودی بندها و قفل سوم که داخل بندهای زندان می شوی و آن، جایی است که عرب نی انداخته و آب خنک سرو شده است به قدر فراوان. یعنی که داخلی داخلی زندان. و چون زندانی یا همان مددجو را نمی شود از قفل سوم و دوم عبور داد و بیرون آورد و برایش کتاب



مهمان نمازخانه زندان

الغرض، آن روز که مهمان نمازخانه زندان خوی بودیم، کتاب «خون دلی که لعل شد» را برده بودیم برای معرفی و آن خاطرات خودنوشت رهبر معظم انقلاب است از ایام مبارزات قبل انقلاب و شش نوبتی که زندانی شده اند و با شرح جزئیات و تصویرسازی بسیار دقیقی که حاصل ذهن منظم و قوی راوی است، کتاب را بسیار جذاب و کشش دار کرده و طرح جلد مرتبطی با متن برایش طراحی شده که عکسی است نقاشی شده از ایام جوانی رهبر انقلاب و بدون عمامه و لباده و قبا، که حین ورود به زندان کمیده

اگر انقلاب نمی شد...

عمد یا سهو. و بعدش را به شوخی برگزار کردم و آرزو، که امیدوارم به زودی اسباب خلاصی تان فراهم شود تا بار دیگر همدیگر را در جلسات کتابی بیرون زندان ببینیم و بعد از او، مددجویی که اول جلسه آمد و وصیت پدرم را خواست، دست بلند کرد و به پا خاست و صلوات خواست برای شادی روح پدرم و گفت که امروز دقیقاً سالگرد پدر سخنران جلسه است و راجع به پدرم گفت و معلوم شد کتاب پدرم را که سری های قبل به کتابخانه شان اهدا کرده بودم را به دقت خوانده و آن قدر دقیق و عمیق که یادش مانده باشد ۲۲ فروردین سالگرد شهید است و فصلی راجع به افتخار شهر، شهید علی شرفخانلو و دوستانش و شهید محمد فتحعلی زاده قره شعبان که «شفق» تخلص می کرد، حرف زد و چه جان دار و امیدوار شدم و دیدم که آمد و شدم به زندان و کتاب هایی که هدیه برده ام بی ثمر و اثر نبوده و شگفت آور این که امسال به غیر از چند جلسه و یادبود و سالگردی که جابه جا برای پدرم گرفته بودیم، کی فکرش را می کرد یاد شهیدی که ۴۲ سال از شهادتش گذشته باشد و هیچ نسبتی با حبس و تعزیر نداشته باشد، درست در سالگردش در زندان گرامی داشته شود؟

زندان و هواپیما یک خاصیت مشترک دارند و آن این که آدم ها در هردوی شان دور از آنتن موبایل هستند و دوری از تلفن همراه، نعمتی است بزرگ، خاصه برای کسی که می خواهد تمرکز کند و چه خوراکی بهتر از کتاب برای ایام تمرکز و دور ماندن از موبایل! و تکه هایی از کتاب را برای شان خواندم و در چشم های شان خواندم که مشتاقند باقی و کل قصه را بخوانند و حرفم تمام شد و خواستم اگر کسی نکته ای دارد بگوید که جوانی با طعنه و تعجب پرسید: «چطور است کسی که شش نوبت سابقه زندان دارد، رهبر می شود اما ما که دوسه نوبت بیشتر این تونبوه ایم، بیرون که برویم بیکار می مانیم؟» گفتم «اولا اگر انقلاب نمی شد، سرنوشت رهبر و دوستانش همان داغ و درفش و زندان و تبعیدی بود که بود. ثانیا رهبرمان به خاطر محکومیت مالی نیفتاده بود زندان و به نوعی غیرمستقیم اشاره کردم به جرم او و هم بندی هایش که محکومین مالی بودند و به اقرار خودش دوسه نوبت او را به حبس کشانده بود و گفتم اقدامش در هر شش بار، به مبارزه علیه نظام شاهنشاهی برمی گشت که آخرش به تبعید منجر شد و تهنش این که راوی کتاب، مال کسی را بالا نکشیده بود به

«اطراف» با ۱۰۰ عنوان در نمایشگاه

نشر «اطراف» با ۱۰۰ عنوان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور دارد. به گفته مرشدی، مدیر اطراف، یکی از تازه‌های این نشر، کتاب «ما ایوب نبودیم» است. وی در توضیحی در خصوص این کتاب گفت: «مراقبت، تجربه‌ای است که همه مادر مقطعی از زندگی با آن مواجه می‌شویم که از کسی یا چیزی مراقبت می‌کنیم. تصویری که معمولاً از مراقب داریم، تصویری آرمانی از فردی از خود گذشته است که بدون هیچ چشمداشتی از همه چیز خود می‌گذرد اما در واقعیت، مراقب‌ها در دوراهی‌هایی قرار می‌گیرند؛ باید از خودشان بگذرند یا نه؟ آیا مراقب واقعی کسی است که همه چیزش را فدا می‌کند؟ آیا مراقب‌ها لزوماً بدون خطا هستند؟ نه، آنها هم مثل همه انسان‌ها، درگیر تنش‌ها و تعارض‌های خودشان هستند. روایت‌های این کتاب از تجربه‌های ملموس افرادی شکل گرفته است که در بطن جامعه، مراقبت را تجربه کرده‌اند.

نویسنده: احسان ناظم بکایی
انتشارات: قدیانی
قیمت: ۹۵ هزار تومان



این کتاب با هدف تلفیق ورزش و ارزش‌های دینی، به‌ویژه در تربیت کودکان و نوجوانان، تدوین شده است. اثر پیش‌رو که مبتنی بر تجارب مربیان آموزشی است، به موضوعاتی مانند معرفت الهی، احترام به والدین، کنترل خشم، نظم و احترام به حقوق دیگران پرداخته و راهکارهای عملی برای نهادینه‌سازی این مفاهیم از طریق فعالیت‌های ورزشی ارائه می‌دهد. همچنین، با معرفی بازی‌های گروهی و تمرینات ورزشی، به ترویج فرهنگ سلامت و اخلاق کمک می‌کند و از این منظر، منبعی کاربردی برای پرورش نسلی سالم و ارزشمدار است.

کتاب حاضر، یکی از کتاب‌های «مجموعه متولد تهران» است که تلاش کوچکی برای معرفی یکی از مشاهیر تهران محسوب می‌شود. در مجموعه کتاب‌های متولد تهران، ملاک انتخاب افراد ایرانی بودن و کنشگری شهروندی شان بوده و سعی شده تا ضمن معرفی آنها، برای شناساندن مکان‌ها و بازگویی تاریخ در دل قصه‌ها به بخش‌هایی از نماد هویتی تهران پرداخته شود. محمدرضا طالقانی فرزند کاظم در سال ۱۳۳۱ در محله گذر مستوفی در منطقه درخونگاه از محلات قدیمی تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدرسه جعفری اسلامی و سپس هنرکده امیر طی کرد و از ۱۵ سالگی به کشتی روی آورد و تا ۱۳۶۰ شمسی که کشتی را کنار گذاشت هشت مدال بین‌المللی کسب کرد.

به قلم نوجوان

کتاب «من یک نفر هستم، اما...» نوشته سوزان ورده

کتابی برای همیاری

بزرگ خیلی کوچک است اما متوجه می‌شود برای شروع تغییرهای بزرگ باید از یک نقطه کوچک شروع کند مثل کاشتن یک دانه در خاک که به درخت تبدیل می‌شود. یا حرکت یک قلم‌مو که می‌تواند تبدیل به یک اثر هنری و نقاشی زیبا شود. خرابکاری هم همین‌طور است. مثلاً با برداشتن یک آجر، یک دیوار می‌تواند بریزد. او متوجه می‌شود که با کارهای خیلی کوچک مثل مهربانی کردن می‌تواند خیلی چیزها را عوض کند. این دختر بچه خیلی کارهای خوبی به ما یاد می‌دهد که می‌تواند تغییرهای بزرگی در دنیا ایجاد شود. پشت جلد این کتاب نوشته شده که ما می‌توانیم با اقدام‌های کوچک با مشکلات دنیا روبه‌رو شویم و آغازگر اتفاق‌های شیرین و تغییرات بزرگ باشیم. ما می‌توانیم با هم متحد شویم و جهان را به جای بهتری تبدیل کنیم و جامعه را تغییر دهیم. در آخر کتاب جایی برای چسباندن عکس‌مان داریم که می‌توانیم اسم‌مان را زیر آن بنویسیم. این کتاب دو صفحه خیلی خوب دارد که بالای آن نوشته (سخن نویسنده) که به ما تمرین‌های مفیدی یاد می‌دهد و کمک می‌کند تا تمرکز و قوی باشیم و بتوانیم در زمان حال زندگی کنیم. حتماً این کتاب را از مجموعه شش جلدی (من... هستم) تهیه کنید و بخوانید.



سلام دوستان کتابخوان من. این هفته، همزمان با برگزاری نمایشگاه کتاب، فرصت خوبی است تا با هم درباره یک کتاب جذاب صحبت کنیم. همان‌طور که هر سال همراه مادرم به نمایشگاه می‌رویم و از بخش کودکان و نوجوانان کتاب‌های جدید می‌خرم، امسال هم قصد دارم بهترین‌ها را انتخاب کنم. کتابی که امروز می‌خواهم به شما معرفی کنم، «من یک نفر هستم، اما...» نام دارد.

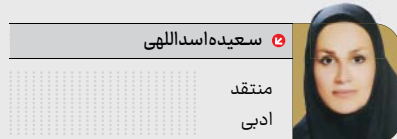
این اثر درباره قدرت و توانمندی‌های درون ماست که به ما می‌آموزد هر فرد، با وجود تفاوت‌ها و چالش‌ها، می‌تواند نقش مهمی در دنیای اطرافش ایفا کند. سوزان ورده این کتاب را نوشته و دکتر لیلیا کاشانی وحید آن را برای ما

ترجمه کرده که مناسب رده سنی پنج سال به بالاست و در نشر مه‌سا چاپ شده است. در صفحه اول آن نوشته شده: «کتابی برای همیاری». ما در این کتاب با یک دختر بچه سیاه‌پوست موفرفری بانمک همراه می‌شویم که دلش می‌خواهد بداند چطور می‌تواند دنیا را تغییر دهد. او فکر می‌کند برای تغییرهای

نگاهی به کتاب «آن‌گاه که از فهم جهان درمی‌مانیم» نوشته بنجامین لا باتوت

کاوش‌هایی مخرب و آسیب‌رسان

درآورده است. کتاب «آن‌گاه که از فهم جهان درمی‌مانیم» ژانر ادبی جدیدی است که هوشمندانه و زیرکانه بانگاهی ظریف واقعیت را دستکاری می‌کند و با چاشنی بزرگنمایی سراغ داستان افرادی می‌رود که می‌شناسیم‌شان. در واقع زندگی‌نامه آدم‌ها و چهره‌های مشهوری که به گمان‌مان دستاوردهای شان ناجی بوده اما لا باتوت با نگاه و زاویه دیدی متفاوت این مسأله را عریان می‌سازد که به همان اندازه ابداعات و کاوش آنها توانسته مخرب و آسیب‌رسان باشد. در حقیقت پیچیدگی جهان همین جاست. همین‌جا که به مدد ادبیات و تخیل آمیخته با واقعیت‌های عجیب، می‌تواند لایه‌های رویی شخصیت‌ها را بشکافد و به عمق درونی آنها راه پیدا کند. گاهی آن‌که می‌تواند ایده‌ای نجات‌بخش ارائه دهد به همان میزان قدرت تخریب دارد و اندیشه تسلط بر جهان و ناکام ماندن این رویا همان مسأله پیچیده‌ای است که لا باتوت به آن می‌پردازد. او با ظرافت تمام سراغ ابهامات و سردرگمی‌های اخلاقی علم می‌رود و این سؤال را مطرح می‌کند که شرایط روحی و اخلاقی آنهایی که به دنبال کشف بزرگ‌ترین رازهای جهان می‌گردند و در پی پاسخ سؤال‌های هستی‌شناسی هستند، چگونه است؟ آیا این چهره‌های برجسته در مواجهه با این موضوع تا مرز فروپاشی و تزلزل می‌روند. این کتاب در سال ۲۰۲۱ برنده جایزه انجمن قلم انگلستان شد و نظر منتقدان را جلب کرد.



کافکا در جایی توصیف از نوشتن را بیرون پریدن از صف مردگان می‌داند که این وصف طبعاً متعلق به دوران بعد از حیات نویسنده است. در واقع نوشتن به معنای حضور است. حضور یک لحن یا صدایی که در جهان می‌پیچد و به نوعی اعلام وجود می‌کند. وجودی که وابسته به حضور انسان است و مفاهیمی که حاصل تصور و احساس و اندیشه انسان هستند. بنابراین، متن محصول اندیشه و حضور انسان است که در مقطعی از تاریخ ثبت و ضبط شده که وقتی خوانده می‌شود، طنین آن کلمات حتی اگر نویسنده‌اش مرده باشد در گوش و ذهن مخاطب انعکاس می‌یابد. پدیده‌ای که تا به دوران ما فقط از منظر انسان معنادار است. حال نویسنده‌ای می‌تواند اثری ماندگار خلق کند که با پدید آوردن وضعیتی انسانی، خواننده را نیز در پرسش از هستی شریک سازد.

بنابراین در چنین وضعیتی برخلاف موضوعات علمی، راه‌حلی ارائه نمی‌شود بلکه همه آن پرسشگری محض است. پرسشی از جنس سرگشتگی و حیرت در مواجهه با خلقت و هستی. انسانی گیج و مبهوت که اغلب قادر به درک مفهوم و ماهیت درد و رنج نیست و این نویسنده است که با جزئی‌نگری به این وضعیت اندیشیده و آن را بر مدار روابط علی و معلولی قرار داده و به رشته تحریر